

[وقتی] ما در مقابل گناه و هوس و پول و نام نیک قرار می‌گیریم، آیا به‌خاطر به‌دست آوردن این‌ها حاضریم از شرف و ایمان و تکلیف خود و امر و نهی الهی درباره خود صرف‌نظر کنیم یا نه؟ این اختیار ماست. چه راهی را انتخاب خواهیم کرد؟ وقتی گفتن سخنی برای انسان ضرر مادی دارد، وقتی حرکتی هوس‌های گناه‌آلود انسان را برآورده می‌کند، ما سر دو راهی قرار می‌گیریم.

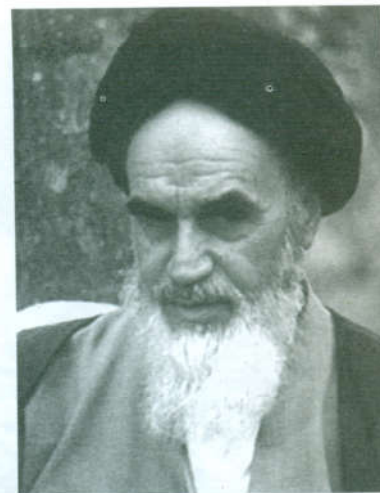
کدام راه را انتخاب خواهیم کرد؟ راه هوس و گناه و پول را، یا راه پاکدامنی و تقوا و بندگی خدا را؛ یکی از این دو را انتخاب خواهیم کرد. انتخاب و اختیار ماست، اما خدای متعال می‌داند که ما چه راهی را اختیار خواهیم کرد؛ این در علم الهی هست. اگر شما انسانی هستید که این قدرت در شما وجود دارد که در مقابل کوهی از ارزش‌های مادی و برآورنده هوس‌ها محکم بایستید و تکان نخورید، خداوند برای شما شایستگی‌هایی در نظر می‌گیرد... حضرت یوسف در عین جمال و جوانی و برخورداری از عزت مادی در خانه عزیز مصر، روی هوس خود پا گذاشت؛ لذا شایسته مقام والایی شد که خدا به او داد؛ یعنی پیغمبری. خدا این را می‌داند که این بنده چنین جوهری دارد و این چنین اراده خود را صرف راه او خواهد کرد؛ لذا برای او مسئولیت‌های بزرگ و سنگین دیگری که هر کدام باز به نوبه خود اجرهای بزرگی دارد، در نظر می‌گیرد... خدای متعال می‌داند که فاطمه زهرا در دوران زندگی چگونه انتخاب و اختیار خواهد کرد و چگونه قدم خواهد برداشت. عبودیت خدا معیار است. این شد برای ما خط روشن.



عبودیت: راه تعالی

مقام معظم رهبری

ارزش فاطمه زهرا به عبودیت و بندگی خداست. اگر بندگی خدا در فاطمه زهرا نبود، او صدیقه کبری نبود. صدیق یعنی چه؟ صدیق کسی است که آنچه را می‌اندیشد و می‌گوید، صادقانه در عمل آن را نشان دهد، هرچه این صدق بیشتر باشد، ارزش انسان بیشتر است... صدیقین پشت سر نبینند. این بزرگوار صدیقه کبری است؛ یعنی برترین زن صدیق. این صدیق بودن به بندگی خداست. اگر بندگی خدا نمی‌کرد، صدیقه کبری نمی‌شد. اساس، بندگی خداست. نه فقط فاطمه زهرا، بلکه پدر فاطمه هم - که مبدأ و سرچشمه فضائل همه معصومین اوست و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا - قطره‌هایی هستند از دریای وجود پیغمبر - ارزشش پیش خدا به خاطر عبودیت است...



ما و وصف اقیانوس...؟!

امام خمینی

اگر روزی باید روز زن باشد، چه روزی والاتر و افتخارآمیزتر از روز ولادت فاطمه زهرا است، زنی که افتخار خاندان وحی [است] و چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می‌درخشد. زنی که فضائل او هم‌طراز فضائل بی‌نهایت پیغمبر اکرم و خاندان عصمت و طهارت بود. زنی که هر کسی با هر بینش درباره او گفتاری دارد و از عهده ستایش او بر نیامده، که احادیثی که از خاندان وحی رسیده به اندازه فهم مستمعان بوده و دریا را در کوزه‌ای نتوان گنجاند، و دیگران هرچه گفته‌اند به مقدار فهم خود بوده، نه به اندازه مرتبت او.

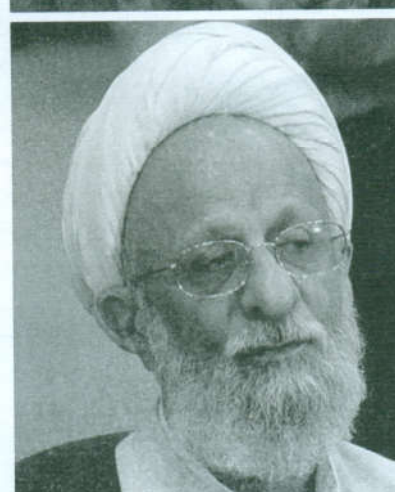
یک حرف و هزار حرف

قصه آن تجلی جمال بی‌مثال

آیت‌الله مصباح یزدی

همان نوری که در ابتدای خلقت، حیرت‌فزای ملایکه گشت و ایشان را واله و حیران خود گرداند، در خاتمه قیامت، شگفت‌افزای بهشتیان می‌گردد و ایشان را شیفته جمال خویش می‌سازد. نور تبسم فاطمه به روی امیرمؤمنان در بهشت، والاترین لذت و بی‌مثال‌ترین ابتهاج بهشتیان می‌شود و این خود شاهد دیگری است بر کمال ظرفیت وجودی فاطمه. هر موجودی به اندازه ظرفیت وجودی خویش، پرتوی از نور جمال احدی را نمودار می‌سازد؛ از این‌روی به هر میزان که ظرفیت وجودی موجود کامل‌تر باشد، تجلیات بیش‌تری از انوار جمال را منعکس می‌نماید. در نتیجه، هرچه مرتبه وجودی قوی‌تر باشد، جمال آن بیش‌تر و مشاهدۀ آن لذت‌بخش‌تر خواهد بود.

فاطمه، کوثر بی‌کرانه محمدی است که از لحاظ مرتبه وجودی به اوج کمال و از لحاظ تجلی انوار جمال به اوج جلوه‌نمایی رسیده است؛ از این‌روی زیبایی و دلربایی آن جمال بی‌مثال در بهشت جاویدان، زیبایی‌های دیگر را از جلوه می‌اندازد؛ به‌گونه‌ای که بهشتیان، لذت‌ها و نعمت‌های بی‌شمار بهشتی را به کلی رها می‌سازند و با سرور و لذتی وصف‌ناشدنی محو تماشای جمال فاطمه که نه، غرق نظاره نور خدا می‌گردند.



شخصیت، نه ابتذال

استاد شهید مطهری

وقتی که ما به متن اسلام مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم نتیجه آن‌چه که اسلام در مورد زن می‌خواهد، شخصیت است و گرانها بودن. در پرتو همین شخصیت و گرانها، عفاف در جامعه مستقر می‌شود، روان‌ها سالم باقی می‌مانند، کانون‌های خانوادگی در جامعه سالم می‌مانند، و رشید از کار در می‌آید.

گرانها بودن زن به این است که بین او و مرد در حدودی که اسلام مشخص کرده، حریم باشد؛ یعنی اسلام اجازه نمی‌دهد که جز کانون خانوادگی، یعنی صحنه اجتماع، صحنه بهره‌برداری و التذاذ جنسی مرد از زن باشد چه به صورت نگاه کردن به بدن و اندامش، چه به صورت لمس کردن بدنش، چه به صورت استنشام عطر زنانه‌اش و یا شنیدن صدای پایش (که اگر به اصطلاح به صورت مهیج باشد، اسلام اجازه نمی‌دهد). ولی اگر بگوئیم علم، اختیار و اراده، ایمان و عبادت و هنر و خلاقیت چطور؟ می‌گوید بسیار خوب، مثل مرد. چیزهایی را شارع حرام کرده که به زن [نیز] مربوط است، آن‌چه را که حرام نکرده، بر هیچ‌کدام حرام نکرده است. اسلام برای زن، شخصیت می‌خواهد، نه ابتذال